

”

آگاهانه یا ناآگاهانه  
ما این مسئله را  
پذیرفتیم. رفتیم وارد  
یک جنگ به تمام معنا  
شدیم؛ با خودمان،  
با دیگران، با دانش،  
با فناوری با هر چه فکر  
کنید و در اینجا نوک  
پیکان خود من بودم،  
اصلاً نمی‌شد به کسی  
واگذار کنم

اینها یکی از چالش‌هایمان بود که چطور بتوانند شماره‌ها را پیدا کنند و بگویند. ۴-۵ تا سامانه در دانشگاه شیراز کار کردیم که خیلی برایشان جالب بود و استفاده کردند. یک بار از مخابرات فارس هم آمدند کار ما را بازدید کنند. مدیر IT مخابرات فارس آقای مهندس عطایی بودند. گفت: «مایک مشکلی در ۱۱۸ خودمان داریم. شما اینجا می‌توانید حل کنید؟» ما هم متهورانه گفتیم حلش می‌کنیم. طبق معمول پریدیم وسط.

### وارد یک جنگ به تمام معنا شدیم

۱۱۸ فارس آن موقع دست یک شرکت تهرانی بود. همان سوئیچ‌های هایبریید یعنی سخت‌افزاری - نرم‌افزاری که اینها هنگ می‌کرد، کندی داشت، پشتیبانی خوبی نمی‌کردند و تغییرات هم دیر به دیر انجام می‌شد. خلاصه ناراضی بودن از این وضعیت. گفتند: «بیا اگر می‌توانید این را جایگزین کنید.» یادم است که این را خودم باید انجام می‌دادم و نمی‌شد بسیار به بچه‌ها. چون آنها در زمینه دیگر کار می‌کردند و فقط خودم تجربه این کار را داشتم. من نمونه اولیه را درست کردم و رفتیم به اینها نشان دادیم. یک کله‌ای تکان دادند که یعنی بد نیست. گفتند: «این کار، کار حساسی است می‌توانید، نمی‌توانید؟» گفتم: «ما انجامش می‌دهیم.» خیلی هم جذبشان نکرد آن اول. چون ۱۱۸، حالا جلوتر برویم متوجه می‌شوید که یک سیستم سخت و پیچیده و حساسی هم هست و یک اثر اجتماعی دارد. یعنی شما یک موقع یک سیستم درست می‌کنید که ۱۰ نفر آدم می‌خواهند استفاده کنند و اتفاقی هم نمی‌افتد. اما اینجا یک شهر و یک استان درگیرش است. آگاهانه یا ناآگاهانه، ما این مسأله را پذیرفتیم. رفتیم وارد یک جنگ به تمام معنا شدیم؛ با خودمان، با دیگران، با دانش، با فناوری، با هر چه فکر کنید و در اینجا نوک پیکان خود من بودم، اصلاً نمی‌شد به کس دیگری واگذار کنم.

خلاصه اعتماد کردند و قرارداد بستیم. من این قسمتش را مدیون یکی دوتا مدیر در

## رویس دانش آموزی

